

قرآن و تحريم الكل

رضا بلبل وند

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی بروجرد

اشاره

قرآن
کریم،
ای
کلام والای خداوند
عَلام را می_____وان

بسیاری از مشکلات

پیش روی بشر است. ولی

در آن برهه از زمان، کسی از

آن باخبر نیست. در آیه ۲۱۹ سوره

مبارکه بقره که در خصوص تحریم خمر

و مسکرات است، به واژه «منافع للناس» برمی خوریم؛

واژه‌ای که به ظاهر به وجود سود و منفعت در نوشابه‌های

الکلی اشاره دارد. آن چه که ذهن پویندگان دانش را به کاوش

وامی دارد، این است که با وجود تحریم نوشابه‌های الکلی،

آمدن واژه «منافع للناس» درباره نوشابه‌های الکلی چه معنا

و مفهومی دارد؟ آیا بدان بها داده شده است؟ آیا اصولاً خمر

منافعی دارد و اگر دارد منظور، منفعت نوشیدن آن است یا

استفاده‌های دیگر؟ آیا می توان آن را از مصادیق اعجاز علمی

قرآن قلمداد کرد یا خیر؟

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، روایات، منافع للناس، نوشابه‌های

الکلی [خمر، الکل.

مقدمه

بی تردید مسکرات به دلیل تأثیرات بسیار منفی و

ویرانگری که بر جنبه‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی

دارد، همواره تحریم شده و قرآن کریم نیز در سوره‌های

مبارکه نحل (۶۷)، بقره (۲۱۹)، نساء (۴۳)، مائده (۹۰) و

(۹۱) آن را تحریم کرده است و به تبع آن، در سنت و سیره

نبی مکرم اسلام(ص) و ائمه معصومین(ع) نیز به حرمت

موثق ترین و مطمئن ترین منبع علمی در جهان دانست که

توانسته است توجه عالمان و اندیشمندان را به خود جلب

کند؛ پرده برداری از جهان مرموز و شگفتی‌های آن و نیز

بحث و تفحص از علوم مختلف و کشف ناشده‌ای هم چون

نجوم، شیمی و... همواره مورد توجه قرآن بوده است. در آیات

متعددی از قرآن به این مسائل علمی اشاراتی رفته است. ارائه

این راهکارها و نشانی‌ها، موجب تحقق هدف قرآن از آفرینش

انسان - که همانا تعالی و رشد و به کمال رسیدن وی بود - شده

است. قرآن کریم در جایی می فرماید: «و علم الأدم الاسماء»:

و به آدم اسماء را آموخت [بقره / ۳۱]. نیز فرمود: «کان الناس

امه واحده فبعث الله النبیین مبشیرین و منذرین و انزل معهم

الکتاب بالحق لیحکم بین الناس فیما اختلفوا فیه...» مردم (در

آغاز) یک دسته بودند و خداوند پیامبران را برانگیخت تا مردم

را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی که به سوی حق دعوت

می کرد، با آنان نازل کرد تا در میان مردم، در آن چه اختلاف

داشتند، داوری کند [بقره / ۲۱۳]. بنابراین یکی از اهداف

ارسال رسل و انزال کتب، تشریح و تبیین علمی است که

بشر را به کمال و معرفت برساند. آن چه در این مقاله در پی

آئیم، کشف قرآن از پدیده‌ای ویژه است که امروزه راهگشای

ابدی محکوم شده‌اند. حال این‌که منظور از منافع للناس در آیه مذکور چیست را می‌توان با عنایت به مطالبی که در ذیل می‌آید، نقد و بررسی کرد. این مطالب ما را به مصادیقی از منافع للناس آگاه می‌سازد، ولی ناگفته پیداست که خداوند متعال هیچ‌گاه از مفسده‌ای، خاصه خمر، با این همه عظمت و گستردگی ابعاد و پیامدهای منفی، به نیکی یاد نمی‌کند و واژه منفعت را در مورد آن به کار نمی‌برد. بنابراین، آمدن واژه «منافع للناس» در خصوص خمر، مستلزم منفعتی حقیقی، پایدار و همگانی و از نمونه‌های اعجاز علمی قرآن در خصوص مسائل مربوط به علم شیمی است. در ادامه، به مصادیق عبارت قرآنی منافع للناس می‌پردازیم.

برخی از مصادیق «منافع للناس» در آیه ۲۱۹ سوره بقره (الف) وقوع ایجاز در کلام

می‌توان این‌طور عنوان کرد که در واژه «منافع للناس» ایجازی رخ داده است و تقدیر آیه چنین می‌شود: «و فی ترکهما منافع للناس» [فتح‌الله کاشانی، ۱/ ۴۷۰؛ کاشفی، ۱/ ۸۰]: با ترک کردن آن دو شراب و قمار، سودهایی سرشار، پایدار و خداپسندانه برای مردم هست. کنار نهادن خمر با توجه به ویژگی‌هایی چون «اثم کبیر»، «ر جس»، «من عمل الشیطان»، «ام الخبائث» و «مفتاح کل شر» و... بسیار سودمند و پرفایده خواهد بود و این چیزی است که کتاب، سنت و عقل سلیم بدان حکم کرده و بر آن صحه گذارده است. ایجاز به حذف مذکور با

توجه به قرینه «ائم» که در پس و پیش این عبارت قرار گرفته است، می‌تواند قرین به صحت باشد. با عنایت به این برداشت، فراز قبلی آیه را می‌توان بدین‌گونه با عبارت مذکور تلفیق کرد:

ذات مقدس پروردگار
عالمیان، امر تحریم مسکر
را به‌صورت تدریجی و
گام‌به‌گام و در چهار مرحله،
بهاجرا درآورد

در نوشیدن، تجارت و هرگونه استفاده غیرالهی از خمر، زیان‌های مادی و معنوی بزرگی نهفته است، همان‌گونه که در ترک آن، سودهایی [مادی و معنوی] برای مردم وجود دارد. این یعنی همان «فاجتنبوه لعلکم تفلحون» [مائده/ ۹۱] که فلاح و رستگاری را در سایه دوری از نوشابه‌های الکلی معنا می‌کند. و بدین‌سان، سرانجام رویارویی و عدم رویارویی با خمر را بیان داشته است.

ب) نفع مربوط به زمان قبل از تحریم

برخی از مفسران نقل کرده‌اند: «و منافع للناس، یعنی بالمنافع اللذّه و التجاره فی رکوبهما قبل التحريم فلما حرّمهما الله عزوجل قال و اثمهما بعد التحريم اکبر من نفعهما قبل التحريم.» [مقاتل ابن سلیمان، ۱۴۲۳: ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۸، ۲۱۵، سیوطی، ۱۳۶۵، ق، ۲۵۳].

دیگری گوید: «ائمهما بعد التحريم اکبر من نفعهما قبل التحريم.» [عظیم آبادی، ۱۴۱۵: ۷۸].

با عنایت به گفتار مفسران فوق‌الذکر، منافع للناس یعنی انتفاع مباح از خمر در قبل از تحریم آن. بدین‌معنا که چون درباره حرمت نوشیدن خمر آیه‌ای نزول نیافته بود، پس هرگونه بهره‌برداری از آن، به گونه‌ای می‌توانست قابل پذیرش باشد و گناهی در پی نداشته باشد و مؤمنانی که تا قبل از نزول تحریم قطعی، شراب می‌نوشیدند و در جبهه‌های نبرد و غیر آن از دنیا رفتند، طبق نص صریح آیه ۹۳ سوره مائده، بر آن‌ها حرجی نبوده

است. «لیس علی الذین آمنوا و عملوا الصالحات جناح فیما طعموا...» بر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، گناهی در آن‌چه قبلاً خورده یا نوشیده‌اند، نیست. ولی با نزول تحریم

قطعی خمر، شرعاً این کار حرام اعلام شد.

تولید، فروش یا تجارت نوشابه‌های الکلی به دست می‌آوردند.

ج) منافع مادی - ظاهری خمر

بدون شک وجود خمر دارای منافع بوده و هست؛ چه در خصوص نوشیدن که با لذتی گذرا همراه است و نوشنده آن، دمی خود را از دنیا و مشکلاتش رها می‌بیند و چه در خصوص استفاده‌های دیگر از قبیل فروش و تجارت که سودهایی سرشار به دست می‌دهد. تعداد کثیری از مفسران به این معنا نظر داشته و منظور از «منافع للناس» را منافع مادی و دنیوی خمر دانسته‌اند. شیخ طوسی این معنا را اختیار کرده است: «فالنفع التي في الخمر: ما كانوا يأخذونه في أثمانها و ربح تجارتها و ما فيها من اللذی بتناولها»: نفع در خمر یعنی فروش و تجارت و منفعت حاصل از آن و آن‌چه در خمر از لذت نوشیدن آن به دست می‌آید [شیخ طوسی، ۱۴۰۹ ق: ۲۱۳]. بنابراین، نفع طبق گفته بالا، علاوه بر فواید فردی، فواید اقتصادی مثل تجارت را نیز شامل می‌شود. عده‌ای به حالت آرام‌بخشی و شادی حاصل از خمر اشاره کرده‌اند: «و ربما كان المراد من المنافع حالة الفرج النفسی الذي يحدث في حالة السكر عند ما يدخل الانسان في غيبوبة ذهني صناعية، توحى له بالمرح و اللهو و العبث بحيث يتخفف من قيوده الاجتماعيه التي يفرضها عليه عقله فيبتعد بذلك عن ضغط المشاكل النفسية و الاجتماعيه و الاقتصادية و نحوها مما يجعل من الخمر سبباً في الهروب من الواقع بدلاً من ان يكون حلاً للمشكلة و توكيزاً للواقع». و چه بسا مراد از منافع، حالت گشایش نفسانی باشد که در حالت سکر به وجود می‌آید. به گاهی که انسان در اوهام ذهنی به دور از هوشیاری و آشکاری قرار می‌گیرد و شادی بیش از حد و بازی و بیهودگی به او روی می‌آورد، به طوری که خود را خارج از قید و بندهای اجتماعی که عقل بر او واجب گردانیده است، می‌بیند و به سبب مستی از فشارهای فردی، اجتماعی، اقتصادی و شبیه آن دور می‌ماند و شراب را تنها راه حل دوری از مشکلات و واقعیات تلخ زندگی می‌داند [فضل‌الله، محمدحسین، ۱۴۱۹ ق: ۲۲۱؛ طالقانی، ۱۳۶۲: ۱۲۵].

به هر روی، تعدادی از مردم به شیوه‌های گوناگون از آن نفع برده و می‌برند، عده‌ای به گمان آن که برای جسمشان مفید است، از آن می‌نوشند. عده‌ای نیز دست‌اندرکار تهیه، تولید و فروش آن هستند و از این راه ارتزاق می‌کنند. امروزه نیز برخی دولت‌ها قسمت اعظم درآمد و مالیات خود را از راه

د) شیوه تربیتی قرآن

قرآن کریم همواره خواهان اجرای تربیتی صحیح و کارآمد بوده تا بدین وسیله، انسان‌ها به تکامل و سعادت حقیقی برسند. البته به کار بستن آن در برخی مواقع، به دلیل وجود موانعی از جمله ریشه دواندن آن معضل اخلاقی، باعث تدریجی شدن امر تربیت شده است. اجمالاً یکی از دلایل قرار گرفتن واژه «منافع للناس» در آیه ۲۱۹ سوره بقره، می‌تواند اشاره به همین روش تربیتی باشد که ذات مقدس پروردگار عالمیان، امر تحریم مسکر را به صورت تدریجی و گام‌به‌گام و در چهار مرحله، به اجرا درآورد. بدین معنا که از باب رحمت و صبر و وسعه و با ایجاد روابطی صمیمی و خیرخواهانه، در عین حال رفتاری سنجیده و عالمانه و نیز بررسی توان و ظرفیت‌ها، در ابتدا با احترام نهادن به ارزش‌های هر چند زشت ایشان که به صورت عادت و اعتیاد نمایان شده بود و با پرهیز از حساسیت و عصبیت، و هم‌چنین ارائه و معرفی الگوهای مناسب، در مراحل متعدد و به تدریج، نوشابه‌های الکلی را تحریم کرد. شیوه‌ای که نشان از شریعت سهله سمحه داشت و با رفق و مدارا آغاز شد و با انجام مراحل بعدی تربیتی، به نهایت خود که همانا توقف کامل چرخه تولید، نوشیدن و تجارت خمر بود، رسید و ایشان به اشتباه خود معترف و خواهان بیانی روشن در خصوص خمر شدند: اللهم بین لنا في الخمر بياناً شافياً: خدایا در خصوص خمر بیانی شفاف و گویا بر ما بفرست [فخر رازی: ۳۹۶]. امام محمدباقر(ع) در این باره می‌فرماید: «هیچ کس به اندازه خدای تعالی در رفتار خود، رعایت رفق و مدارا نمی‌کند و این از رفق خدای تعالی است که تکلیف را به تدریج و به ملایمت بین بندگان خود اجرا می‌کند. چون

تحریم الکلی شیوه‌ای از شریعت سهله سمحه داشت و با رفق و مدارا آغاز شد و با انجام مراحل بعدی تربیتی، به نهایت خود که همانا توقف کامل چرخه تولید، نوشیدن و تجارت خمر بود، رسید

می‌داند اگر به یکباره تکلیف را به دوش آنان بگذارد، هلاک و گمراه خواهند شد» [کلینی، ۱۳۶۷: ۱۸۸]؛ در حقیقت، حرکتی از آسان‌گیری به سمت سخت‌گیری. از دیگر ویژگی‌های این شیوه (شیوه مدارا و مماشات) پرداختن به خوبی‌های آن چیز قبل از بیان بدی‌های آن است. در واقع بهترین نمونه برخورد منصفانه با منکران که از یکسو زمینه را برای درک شاربین خمر از زشتی‌های نوشیدن خمر فراهم می‌ساخت و از سویی دیگر آنان را به واکنش منفی، لجابت، سرخوردگی و واپس‌گرایی در برابر حق تحریک نمی‌کرد. شیوه مذکور را انبیای الهی نیز اجرا می‌کردند؛ چنان‌چه در داستان حضرت ابراهیم (ع) و اجرام‌پرستان این مطلب به وضوح دیده می‌شود. شیوه‌ای که ابراهیم (ع) در مقام مواجهه و احتجاج، بسیار ماهرانه و احترام‌آمیز و زیرکانه به کار برد. به این ترتیب که در ابتدا خود را در هیئت و هم عقیده با ایشان درآورد و به بیان خوبی‌ها و زیبایی‌های ظاهری آن جرم آسمانی پرداخت و بعد از همراهی با ایشان در بعضی مواقف، در پایان به آن‌ها فهماند که آن عبادت‌های غیر الهی سودی ندارد و تنها خداست که شایستگی پرستش را دارد. «فلما جن علیه اللیل رءا کوکبا قال هذا ربی فلما افل قال لا احب الافلین». پس چون شب بر او پرده‌افکند، ستاره‌ای دید، گفت: این پروردگار من است و آن‌گاه چون غروب کرد، گفت: من غروب‌کنندگان را دوست ندارم» [انعام/ ۷۶].

یکی دیگر از ابزارهای ترک عادت، آمیختن نرمی و درشتی با هم است [قائمی، ۱۳۶۴: ۳۲۸]. گویی که قرآن کریم در عبارت «ائم کبیر و منافع للناس» از آن بهره برده است. علامه طباطبایی (ره) آمدن واژه «منافع للناس» را دلیلی بر اجتهاد و ادامه روند مصرف نوشابه‌های الکلی توسط اصحاب رسول گرامی اسلام (ص) می‌داند: «و لذلک کانت هذه الایة»

هیچ‌کس به اندازه خدای تعالی در رفتار خود، رعایت رفق و مدارا نمی‌کند و این از رفق خدای تعالی است که تکلیف را به تدریج و به ملایمت بین بندگان خود اجرا می‌کند. چون می‌داند اگر به یکباره تکلیف را به دوش آنان بگذارد، هلاک و گمراه خواهند شد

موضوعاً لاجتهاد الصحابی فترک لها الخمر بعضهم و اصر علی شربها آخرین. کانهم راوا انهم یتیسرون لهم ان ینتفعوا بها مع اجتناب ضررها...». به همین جهت، با آمدن واژه منافع للناس، صحابه در آن اجتهاد کرده، برخی آن را ترک نموده، و برخی دیگر هم‌چنان به نوشیدن آن اصرار می‌ورزیدند. گویا پیش خود فکر کرده‌اند چه مانعی دارد ما شراب را طوری بنوشیم که هم از منافعش برخوردار شویم و هم ضررش به ما نرسد [طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۹۴؛ داورپناه، ۱۳۷۵: ۱۱۹]. به هر روی، به ظاهر در این فقره، حکم صریحی که بشود براساس آن حکم کرد وجود نداشته است [طالقانی، ۱۳۶۲: ۱۲۶] و این نشانه‌ای از تدریجی بودن تحریم خمر و یکجا نازل نشدن احکام آن است.

«شَرِّ مطلق وجود ندارد»

خداوند متعال به عنوان منشأ خیر و نیکی، هیچ‌گاه مبدع شر نبوده است و آفریده‌های او همواره نیکو و خیر بوده‌اند. اما موجودات به‌واسطه زیاده‌خواهی‌ها و خودخواهی‌هاشان، باعث شر شده‌اند. با این حال، خداوند متعال به‌دلیل ویژگی رحمت و لطف بی‌نهایت خود، بسیاری از شرها را از بشر دور داشته است. لذا در هر شری که از موجودات صادر شد، خیری قرار دارد. لذا شرّ مطلق وجود ندارد و هر چیز بدی ممکن است برحسب زمان، مکان یا مصلحت، منفعی داشته باشد و نقش و کارکرد مؤثری را در نظام هستی ایفا کند [حسینی همدانی، ۱۴۰۴ ق: ۲۰۸]. قاعده فقهی «ما من عام و قد خص» در این‌جا نیز جاری است. به قول شاعر: «عیب می جمله بگفتی، هنرش نیز بگو» [حافظ، دیوان اشعار]. پس، محرمات که از مصادیق شر به‌شمار می‌آیند نیز ممکن است منفعی داشته باشند [قزائنی، ۱۳۸۳: ۳۴۷]. برای نمونه در فرهنگ اسلامی، دروغ را زمانی که پای مصلحتی حقیقی در میان باشد و نیز غیبت کردن از ظالم را به منظور آگاه کردن مردم از اعمال زشت وی، مباح دانسته‌اند. هم‌چنین است قمار که ممکن است زمانی بر ما بگذرد که از درون این شر و در اثر تغییر و تحول در آن، چیزی بیرون آید که حقیقتاً به سود بشر باشد. درخصوص خمر نیز وضع این‌گونه است. یعنی استفاده خیرگونه از آن به نحوی که شرش به افراد نرسد. کما این‌که سابقاً گاه این اتفاق می‌افتاده است. برای نمونه در کشور مصر از آن به عنوان مایه شستشو دهنده و ضد عفونی‌کننده اجسام فراعنه استفاده می‌شده است [ویل‌دورانت، بی‌تا: ۲۲۶] و استفاده‌های مثبت دیگر که

با جست‌وجو در تاریخ ملل گذشته می‌توان بدان دست یافت.

و) بیان حقایق

خداوند به عنوان سرچشمه حقیقت، صداقت و عدالت، روی حقایق و واقعیات پرده نیفکنده است، بلکه با صراحت و شجاعت تمام و در داوری منصفانه‌ای، فرموده که خمر منافی دارد. به عبارت دیگر، خداوند می‌خواهد بفرماید، من هم می‌فهمم که در خمر منافی نهفته است و عده‌ای از راه‌ها و شیوه‌های گوناگون از آن بهره‌مند می‌گردند. بنابراین فرمود: «منافع للناس». حال منافع مذکور یا از طریق نوشیدن آن است که به لذتی گذرا دست می‌یابند یا از راهی غیر از نوشیدن، یعنی سود حاصل از تجارت آن. و این واقعیتی غیرقابل انکار است که خانواده‌های زیادی در جوامع غیراسلامی در گذشته و حال، از طریق این مایع ارتزاق و مالیات سرشاری عاید خزانه دولت‌ها می‌کنند. نیز قمار که عده‌ای از رهگذر پرداختن بدان، به سودهایی سرشار می‌رسند. لذا اگر خداوند بدان اشاره نمی‌فرمود، این افراد زیر بار این سخن نمی‌رفتند، زیرا منافع مذکور قابل مشاهده و غیرقابل انکار برای همه آنان بود.

ز) آزمایش و ابتلا

خداوند متعال اراده فرمود با بیان واژه «منافع للناس» در آیه شریفه، بندگانش را بیازماید که تا چه حد می‌توانند خود را از گناه نوشیدن خمر و لذت و طرب ظاهری آن محفوظ بدارند. در واقع، خداوند ایشان را در مقام انتخاب یکی از دو راه ذیل، مخیر فرمود. یکی سود و لذت قلیل دنیوی فانی که خشنودی شیطان را در پی داشت و دیگری انتخاب طریقه نیکو و دفع ضرر کثیر باقی که خشنودی خداوند را در پی دارد. در واقع، ایشان در مقام امتحان الهی بودند که: «لیبلوکم ایکم احسن عملاً... تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید» [ملک/ ۲]. یا در کریمه دیگر فرمود: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا» [انسان/ ۳]. به بیانی دیگر خداوند خواست به ایشان بفهماند که با توجه به راحت‌الوصول بودن خمر و وجود منافی در آن، آیا حاضرند از آن دست بکشند یا این که روش فعلی خویش را ادامه می‌دهند؟

شبیبه به این قضیه را می‌توان در داستان رویارویی طالوت با جالوت نیز جست‌وجو کرد. آن‌جا که طالوت به لشکر تشنه‌اش سفارش کرد: «ان الله مبتلیکم بنهر فمن شرب منه فلیس منی و من لم یطعمه فانه منی: خداوند شما را به وسیله رودخانه‌ای خواهد آزمود. پس هر کس از آن بنوشد، از پیروان من نیست، و هر کس از آن نخورد، قطعاً او

از پیروان من است» [بقره/ ۲۴۹].

در واقع طالوت می‌خواهد به لشگریانش بفهماند: می‌دانم که تشنه هستید و آب گوارای رودخانه نیز به شما لبخند می‌زند، ولی چون لحظه نبرد با دشمن نزدیک است و شما نمی‌توانید با شکم‌های پر از آب با آن‌ها مبارزه کنید، لذا از آن ننوشید. مفهوم واژه «منافع للناس» نیز با کمی تغییر این‌گونه است: می‌دانم که از نوشیدن و یا فروش آن به دنبال طرب و شادمانی و سود هستید، ولیکن شما با انجام این کار، علاوه بر خشنودی شیطان که دشمن آشکار شماست، به روح و جسم خود و اجتماعی که در آن زندگی می‌کنید، ضربه‌ای مهلک می‌زنید. لذا از آن دوری کنید تا رستگار شوید و در بهشت برین، شما را شرابی طهور بنوشانم.

ح) پدیده الک

اهل ایمان معتقدند، خداوند هیچ‌گاه کاری عبث و بی‌فایده انجام نمی‌دهد. قطعاً در تمام کارها و برنامه‌های حکمتی نهفته که بعضاً ممکن است از دید بشر به دور باشد و نمی‌توان در آن خصوص به قضاوتی زود هنگام نشست. پس، آمدن واژه «منافع للناس» نیز بدون هدف و غرضی والا ممکن نیست. ناگفته پیداست که در علم خداوندی، این قضیه به روشنی، عینی و یقینی وجود داشته که روزی خواهد آمد که در شراب منفعتی پیدا شود. یعنی گذشته از نظریه منفعت‌زا بودن نوشیدن خمر که توسط علم ناقص و محدود بشر شارب‌الخمیر مطرح بود، این حقیقت راستین وجود داشت که در آینده با پیشرفت علوم و استفاده بهینه از فکر و قدرت عظیم آن می‌توان به منفعتی پایدار و الهی از خمر - غیر از نوشیدن آن - دست یافت. این (منفعت الهی و حقیقی در خمر) را خدا می‌داند و می‌دانست («قال ائی اعلم ما لاتعلمون» من چیزی را می‌دانم که شما نمی‌دانید [بقره/ ۳۰]، ولی دیگران نمی‌دیدند و نمی‌دانستند. منفعتی که نه در نفس نوشیدنش، بلکه در پیرامون یا در اثر تغییرات و فعل و انفعالاتی که در آن رخ داد، به‌وجود آمد و منشأ خیر شد و آن پدیده، چیزی نبود جز الک که در قرن سوم هجری توسط پزشک مسلمان ایرانی محمدبن زکریای رازی با عمل تقطیر شراب کشف و تولید شد و عظمت کلام وحی بعد از قرن‌ها از نزول آیه شریفه، به مرحله تفسیر و تأویل رسید. حقیقتی غیرقابل انکار که از نمونه‌های اعجاز علمی قرآن در خصوص پیشگویی از آینده محسوب می‌شود. گرچه درصدی از الک در تمام نوشیدنی‌های مست‌کننده موجود بود، ولی در هیچ آیه یا روایتی به آن اشاره نشده است تا



موضوع حکمی باشد [وحدتی شبیری، ۱۳۷۶: ۳۱ و ۳۲].

وجود الکل امروزه برای بشر امری ضروری و پذیرفتنی است. در واقع می توان گفت، با ظهور الکل، نقش تخریبی خمر به تدریج کمتر و استفاده های مثبت و خدایسندانه از آن بیشتر شد و این ماده از زمان اولین تولید تاکنون - خاصه در عصر حاضر - به عنوان پرمصرف ترین ماده شیمیایی در فرایند ساخت و سنتز جداسازی و تولید مورد استفاده قرار می گیرد و از آن به عنوان بهترین حلال آلی در آزمایشگاه ها و صنایع داروسازی، خاصه در تولید برخی شربت های دارویی و تنتورها یاد می شود. هم چنین، برای محافظت از رشد میکروبی در فرآورده های دارویی، ساخت روکش قرص ها و ضد عفونی کردن پوست کاربرد دارد. در پزشکی نیز برای ضد عفونی کردن ابزارهای طبی به کار گرفته می شود. به علاوه، قطعات تشریحی را به خوبی می توان در الکل از گندیدن و عفونت محافظت کرد. هم چنین الکل در ساختن ادکلن ها و لوازم آرایش، رنگ ها، سوخت ها و... دخیل است [پیشین]. استفاده از الکل برای ساخت داروها به اندازه ای است که می توان آن را کلید داروسازی دانست. هم چنین، الکل در صنایع تبدیلی، آرایشی و امور پزشکی و در آزمایشگاه ها به منظور نگهداری از قطعات بدن انسان یا حیوان مورد استفاده قرار می گیرد. در تهیه الکل، از دو روش تخمیری (تهیه الکل از شراب) و صنعتی (تهیه الکل به روش شیمیایی و به کمک فرآورده های نفتی) استفاده می شود که امروزه روش صنعتی، کاربرد بیشتری دارد.

با گذر از مطالب فوق، می توان آمدن واژه «منافع» به صورت جمع در آیه مذکور را اشاره به گستردگی و تعدد کارکردهای الکل در مواضع و موارد گوناگون و گسترده جهان، برای رتق و فتق امور، دانست. در قرآن کریم، کلمه «منافع» در مورد چارپایان [نحل/۵]، آهن [حدید/۲۵] و ایام حج [حج/۲۸] نیز به کار رفته که تنوع استفاده و کاربرد و بهره برداری از آن ها بر همگان آشکار است. برای مثال، در خصوص چارپایان، علاوه بر بارکشی و استفاده در کارهای کشاورزی، می توان از گوشت، پوست، پشم، شیر و حتی سرگین و ادرار آن ها بهره برد. لذا احتمالاً آوردن واژه منافع در آیه شریفه در مورد خمر نیز به همین دلیل بوده باشد که نمود این شمول و گستردگی منافع، در پدیده الکل و کاربردهای آن به چشم می خورد. با این بیان می توان اذعان داشت، حرف تعریف «ال» در «الناس»، «ال» استغراقی است (گرچه واژه ناس خود نیز از واژگان جمع است). زیرا با کشف الکل، دنیای جدیدی فراروی بشر در زمینه استفاده بهتر و

پرمفعت از خمر، بدون افتادن در دام استفاده های مخرب آن - که تنها عده ای خاص از آن بهره می بردند - باز شد. البته استفاده های غیرالهی از الکل همواره وجود داشته و دارد. لذا این سخن خداوند متعال که اشاره به گناه آلود بودن آن می کند «ثم کبیر... اثمهما اکبر من نفعهما...» [بقره/۲۱۹]، در خصوص خمر و پدیده الکل، همواره مصداق دارد.

برداشتی که نگارنده بدان اشاره کرده (تأویل خمر به الکل)، در کلام برخی از مفسران محترم نیز به طور گذرا وجود دارد. در کتاب «انوار درخشان» در ذیل عبارت شریفه مذکور آمده است: برای خمر منافی نیز ذکر فرموده که همانا به لحاظ منافی است که از استعمال آن در عمل جراحی عاید می شود. هم چنان که امروزه الکل موارد استعمال زیادی در سوخت، گندزایی و تهیه اتر بیهوشی دارد [حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۲۰۸]. نیز از آن به عنوان ضد عفونی کننده یاد شده است [بلاغی، ۱۳۸۶: ۱۶۷].

باری، الکل در بیانات فوق، به عنوان منفعت خمر بر شمرده شده و در کنار دیگر مصادیق «منافع للناس» از درخشش و اهمیت والایی برخوردار است.

پی نوشت

۱. ر ک آیات ۷۶ تا ۷۹ سورة انعام

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن سلیمان، مقاتل. تفسیر مقاتل ابن سلیمان. بیروت. ۱۴۲۳ ق.
۳. بلاغی، عبدالحجت. حجی التفاسیر و بلاغ الاکسیر. قم. ۱۳۸۶ ق.
۴. حافظ، لسان الغیب محمد. دیوان اشعار.
۵. حسینی همدانی، محمدحسین. انوار درخشان. تهران. ۱۴۰۴ ق.
۶. داورپناه، ابوالفضل. انوارالعرفان فی تفسیر القرآن. تهران. ۱۳۷۵.
۷. دوران، ویل. تاریخ تمدن مشرق زمین. مجتبیایی، فتح الله. بی جا. بی تا.
۸. رازی، ابوالفتوح. تفسیر روض الجنان و روح الجنان. مشهد. ۱۳۷۸.
۹. سیوطی، عبدالرحمن. در المنثور. جده. ۱۳۶۵ ق.
۱۰. شیخ طوسی، محمد بن حسن. التبیان فی التفسیر القرآن. بی جا. ۱۴۰۹ ق.
۱۱. طالقانی، سید محمود. پرتوی از قرآن. تهران. ۱۳۶۲.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین. المیزان فی التفسیر القرآن. قم. ۱۴۱۷ ق.
۱۳. عظیم آبادی، محمد. عون المعبود شرح سنن ابی داود. بیروت. ۱۴۱۵ ق.
۱۴. فضل الله، محمدحسین. تفسیر من وحی القرآن. بیروت. ۱۴۱۹ ق.
۱۵. قائمی، علی. تربیت و سازندگی. بی جا. ۱۳۶۴.
۱۶. قرآنی کاشانی، محسن. تفسیر نور. تهران. ۱۳۸۳.
۱۷. قرطبی، محمد ابن احمد. الجامع الاحکام القرآن. تهران. ۱۳۶۴.
۱۸. کاشانی، ملا فتح الله. منهج الصادقین. تهران. ۱۳۳۶.
۱۹. کاشفی سبزواری، حسین بن علی. مواهب علیه. تهران. ۱۳۶۹.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. بی جا. ۱۳۶۷.
۲۱. وحدتی شبیری، سیدحسن. الکل و فرآورده های آن در فقه اسلامی. قم. ۱۳۷۶.